

پاینده ایران

اصول

برنامه های حکومتی

حزب پان ایرانیست

اصول برنامه های حکومتی حزب براساس بررسی های شورای برنامه حزب پان ایرانیست که کار خود را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و گزارش آن در سال ۱۳۴۳ به کنگره چهارم حزب تقدیم گردید تنظیم شده است .

اینک اصول برنامه های حکومتی حزب ما در سه بخش بشرح زیر به
پیشگاه ملت ایران عرضه میگردد .

۱ - بخش سیاست خارجی

۲ - بخش سیاست اقتصادی

۳ - بخش سیاست اجتماعی

(۱)

بخش سیاست خارجی

پیشگفتار

سیاست خارجی آئین حفظ موجودیت و تمامیت یک ملت است در میان ملل و اقوام دیگر .

چون در سیاست خارجی ملت با همه موجودیت - کلیت و تمامیت و دوام خود مورد نظر است و چون هستی ملت در گذشته و حال و آینده یکجا منظور هدفهای سیاست خارجی است از اینرو سیاست خارجی کاملترین ، مهمترین جنبه سیاست در حیات یک ملت است .

سیاست خارجی روشنگر - راهنما و هم آهنگ سازنده تدبیرهای گوناگونی است که نام سیاست داخلی یا سیاست اجتماعی و اقتصادی بخود میگیرد .

درخشانترین خطوط سیاست خارجی ما

۱ - استرداد کلیه حقوق از دست رفته ملت ایران بویژه در مورد نفت با

اجرای کامل قانون ملی شدن نفت در سراسر ایران .

۲ - خلیج فارس یک دریای ایرانی است - ملت ایران گواينکه کلیه

حقوق ساحل نشینان بومی و غیر ایرانی را محترم می‌شمارند ولی آبهای خلیج فارس را حریم امنیت خود میداند و قطع نفوذ و مبارزه با دخالت هر بیگانه ای را در این خلیج هدف خود قرار میدهد .

اصول سیاست ما در خلیج فارس :

یکم - بحرین جزء لاینفک ایرانیست - اخراج نیروهای استعمار از
بحرین و رها ساختن بحرین از چنگال اسارت بیگانگان .

دوم - شناسایی حقوق شیخ نشینهای خلیج فارس و برقراری روابط بسیار نزدیک فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی با آنان و حمایت آنان در مبارزه با نفوذ سیاستهای استعماری و دخالت بیگانگان .

سوم - توسعه نیوری دریائی و ناوگان بازرگانی - بمنظور حفظ امنیت و تامین حمل و نقل در خلیج فارس .

بی نیاز ساختن بازرگانی خلیج از کشتی های غیر ایرانی باید هدف توسعه بازرگانی ما باشد .

خلیج فارس را باید از نفوذ قاچاقچیان بین المللی که اقتصاد جنوب ایران را فلج ساخته اند پاک کرد .

حفظ و گسترش آثار فرهنگ ایران زمین در خارج مرزها که

در اصطلاح آنرا ایران خارجی میگویند . فرهنگ عمیق و درخشان

ایران همواره دوران مرزها نقش تاریخی ملت ایران را در راه بزرگداشت بشریت ایفا نموده است . در طول تاریخ کهن و پرشکوه ما هیچگاه سیاست خارجی ایران از فرهنگ ایران زمین دوری وجدانی نداشته است . اکنون نیز حمایت از فرهنگ ایران زمین که در چهار گوشه جهان از روزگاران کهن تا بامروز گسترش یافته است و همچنین کوشش بسیار برای گسترش هرچه بیشتر فرهنگ ایران زمین خارج از مرزها از هدفهای اساسی سیاست خارجی ایران است .

دفاع از حقوق و منافع کلیه ایرانیان و تیره های ایرانی که

خارج از مرزها بسر میبرند . بویژه دفاع از تیره های کرد و حفظ

نزدیکترین روابط فرهنگی و اقتصادی با آنان . سیاست ما در شرق :

اصل یکم - ایجاد صمیمانه ترین روابط با افغانستان

ایجاد تسهیلات گمرکی - تسهیلات در استفاده از راه ترانزیت (توسعه شاهراههای شرق ایران که شهرها و مرزهای شرق ایران را بآبهای جنوب پیوند دهد جزئی از این سیاست خواهد بود .)

توسعه روابط فرهنگی (مبادلات دانشگاهی) و اقتصادی بویژه ایجاد تسهیلات در استفاده از نفت .

اصل دوم - ایجاد اتحاد نیرومندی از ایران - پاکستان و افغانستان

اصل سوم - کوشش در هم آهنگ ساختن سیاست کشورهای آریائی

آسیا با یکدیگر - بویژه سیاست تدافعی که لازمه شرایط جغرافیائی آنانست (این اصل مبنای روابط سیاسی با هند خواهد بود .)

۶ - سیاست بین المللی

حمایت از ملتھائیکه در راه استقلال خود میکوشند .

بخش سیاست اقتصادی

از اصول برنامه های حکومتی حزب پان ایرانیست

بنیاد اقتصاد ناسیونالیستی

اقتصاد ناسیونالیستی علم بسیج و تجهیز همه نیروهای طبیعی و انسانی یک ملت است در راه حفظ موجودیت ملی تامین فضای حیاتی نسل‌های آینده و رفاه نسل کنونی.

اقتصاد ناسیونالیستی اقتصادی است برنامه ای که بتواند بسیج و تجهیز کلیه نیروهای ملی (طبیعی و انسانی - اولیه یا سازمان یافته) را تامین کند. اقتصاد ناسیونالیستی بمنظور حفظ موجودیت ملی و تاسیس فضای حیاتی نسل‌های آینده اقتصادی است ناظر بمصالح و مقاصد ملی (اعم از سیاست خارجی و داخلی).

تامین استقلال اقتصادی که پایه و اساس استقلال سیاسی است یکی از هدفهای اقتصاد ناسیونالیستی است. لازمه استقلال اقتصادی بی نیازی اقتصادی است.

ما بی نیازی اقتصادی را بمفهومیکه درسیستم اقتصاد باز دارد یعنی کوشش همیشگی درراه ازدیاد قدرت تولید میدانیم بدانسان که در مبادلات بازرگانی ناچار بتعویض حاصل تولید انبوه کثیر از جمعیت میهن خود با حاصل تولید تنی چند از افراد کشورهای صنعتی (یا پیشرفته تر درصنعت) نباشیم. بینبازی اقتصادی بمفهومیکه بیان داشتیم بدون حصول توسعه اقتصادی میسر نیست. توسعه اقتصادی درکشوری چون میهن ما جز با یک برنامه گذاری جامع که منظور آن تامین رشد سریع اقتصادی و شرط اساسی آن بهره گیری کامل از همه نیروهای انسانی و باز ساختن و بکار گرفتن همه دستگاههای موجود و تجهیز متمرکز کلیه منابع مالی باشد ممکن نیست.

بخش یکم - سیاست توسعه اقتصادی

شامل خط مشی اساسی تولید و خط مشی اساسی توزیع میباشد .

الف - خط مشی اساسی تولید

بهره گیری کامل از نیروی انسانی و ازدیاد قدرت تولید ایجاب میکند :

- ۱ - کشور صنعتی شود .

- ۲ - رفرم کشاورزی متناسب با صنعتی شدن کشور انجام گیرد .

چهار اصل پیشنهادی ما برای صنعتی کردن کشور :

- ۱ - تمرکز در برنامه گذاری و تجهیز منابع مالی و صرف اعتبارات و هدایت و اجرای برنامه های صنعتی .

- ۲ - ایجاد صنایع کلیدی

- ۳ - اتخاذ سیاست جلب ارز هرچه بیشتر در بازرگانی

- ۴ - سیاست تقلیل انتخابی قیمتها

اصل اول - اصل تمرکز :

تمرکز در برنامه گذاری - تمرکز در تجهیز منابع مالی - تمرکز در تنظیم و صرف اعتبارات تمرکز در هدایت و اجرای برنامه های صنعتی .
وسائل :

- ۱ - ایجاد مرکز برنامه گذاری صنعتی برای اجرای نظرات

- ۲ - ایجاد بورس صنعتی دولتی

خط مشی :

- ۱ - هدایت اعتبارات صنعتی (اعم از دولتی و خصوصی) فقط مسیرهای

مورد سرمایه گذاری

- ۲ - جلب پس اندازهای کوچک خانواده ها بوسیله فروش سهام بورس

صنعتی

اصل دوم - ایجاد صنایع کلیدی

- ۱ - توسعه صنایع ذوب آهن

- ۲ - اجرای کامل قانون ملی شدن نفت و توسعه صنایع پتروشیمی

اصل سوم - جلب ارز هرچه بیشتر

- ۱ - انحصار بازرگانی خارجی
- ۲ - تقلیل کالای وارداتی خارجی بحد اقل لازم
- ۳ - توسعه صادرات
- ۴ - اقدام مستقیم دولت در بازاریابی و سعی در یافتن بازارهای جدید
- ۵ - توسعه هرچه بیشتر روابط بازرگانی با ساحل نشینان خلیج فارس

اصل چهارم - تقلیل انتخابی سطح قیمتها

دولت باید اعمال حق حاکمیت ملی را در مورد انحصارات و ملی کردن بعضی از رشته های تولید و خدمت و سیله ای برای تقلیل تدریجی نرخ آن قرار دهد تا هم سرمایه گذاری صنعتی بطور اساسی حمایت شود و هم منافع گروههای کم درآمد اجتماع تامین گردد . بمنظور تقلیل تدریجی نرخ در موارد زیر دولت باید از حق حاکمیت ملی بهر شکل از جمله انحصار و ملی کردن استفاده کند :

الف - تقلیل نرخ بهره پول در مورد سرمایه گذاری صنعتی

ب - تقلیل نرخ حمل و نقل - (توسعه راهسازی و منع راه بندی)

ج - تقلیل نرخ مواد اولیه بویژه سوخت و آب

د - تقلیل نرخ مایحتاج ضروری طبقات کم درآمد (نان - مسکن - پوشاک) (بطوریکه به گروههای تولید کننده زیانی وارد نیاید ، در صورت لزوم بوسیله دادن کمکهای بلاعوض)

رفرم کشاورزی باید با توجه به خط مشی اساسی زیر انجام شود :

- ۱ - تامین حداکثر تولید کشاورزی بوسیله بهره برداری متمرکز از کلیه منابع آب و استعداد های طبیعی و ایجاد مکا نیز اسیون کامل .
- ۲ - نجات نیروی انسانی از چنگال وسایل کهنه تولید و تقلیل نسبت درصد جمعیتی که بکشاورزی مشغولند .
- ۳ - تعلیم و تربیت نیروهای انسانی آزاد شده روستاها برای اشتغال صنعتی

و تامین کار برای آنها

باید سازمان یا وزارتخانه جدیدی برای تمرکز کلیه امور مربوط به رفرم کشاورزی و زندگی روستائی بوجود آید که وظیفه هدایت و اداره اقتصادی روستاها بهداشت - فرهنگ نهضت ساختمانی - ارتباطهای اداری ، قضائی و امنیتی را یکجا عهده دار شود .

۴ - ایجاد سیستمهای نوین دامداری

۵ - توسعه و ترویج صنایع روستائی بمنظور مبارزه با بیکاری پنهانی

ب - خط مشی اساسی توزیع

توزیع برای بقای سیستم خانوادگی

اصل ناسیونالیستی پیوستگی خون و خاک را بمنزله رمزی میشناسیم که تقسیم کلیه سرمایه های ملی را بکلیه خانواده های ایرانزمین میسر میسازد این اصل را راهنمای توزیع ثروت میدانیم زیرا دارائی ملی و افزایش آن جز حاصل کار مفید و متشکل همگان نیست .

ویژگیهای خانواده در اقتصاد ناسیونالیستی عبارت خواهد بود از :

۱ - خانواده فعال - باین معنی که در کار پروردن و بهتر ساختن نیروهای انسانی خویش است .

۲ - خانواده مرفه - باین معنی که از مزایای بیمه های کامل اجتماعی برخوردار است و در شرایط تامین تکامل پذیر اجتماعی بسر میبرد .

۳ - خانواده قادر بسمت گرفتن - باین معنی که میتواند با استفاده از قدرت سرمایه گذاری و قدرت تخصیص اثر تمایلات خود به رویدادهای اجتماعی سمت بدهد .

بخش دوم - سیاست رفاهی

رفاه نسل کنونی با استقرار تامین اجتماعی و بیمه اجتماعی همگانی میسر خواهد شد .

تامین اجتماعی بمعنی استقرار شرایطی است ناشی از اعمال حاکمیت ملی ، بطور متمرکز بوسیله دولت ، از راه برنامه گذاری همه جانبه که در نتیجه برای هرکس که توانائی کار دارد ویا توانائی کار یافته است ، کاری مناسب و برای هر کس که توانائی ابتکار مفید و سنجیده دارد امکان بهره برداری از آن موجود باشد .

پاره ای از وسائل :

۱ - ایجاد سازمانی برای نیروی انسانی بمنظور تطبیق ظرفیت اشتغال با

نیروی انسانی که قطعی ترین راه جلوگیری از اتلاف نیروی انسانی واز میان بردن بیکاری است .

۲ - اصلاح سیستم مالیاتی با توجه بخطوط اساسی زیر :

الف) ترقی تدریجی و متناسب نسبت مالیاتهای مستقیم نسبت بمالیاتهای غیر مستقیم .

ب) مالیات تصاعدی برکل درآمد و بردارائی برای یکبار .

ج) مالیات تصاعدی بر ارث .

بیمه اجتماعی همگانی برای کلیه خانواده در برابر تمام تحولات لازم (شامل بهداشت و درمان مجانی تعلیم و تربیت مجانی در تمام مراحل) و اتفاقات غیر

مترقبه که سبب تضمین بقای خانواده و تامین تعلیم و تربیت فرزندان خانواده ها میگردد .

خط مشی در بیمه اجتماعی

الف) معافیت طبقات کم درآمد از پرداخت حق بیمه با استفاده از کلیه مزایای آن

ب) پرداخت حق بیمه به تناسب درآمد .

ج) تقلیل تدریجی حق بیمه .

نقش دولت در امور اقتصادی

دولت مظهر و مجری سیاست ملی است در همه شئون که اقتصاد نیز جنبه ای از آنست سیاست ملی و سیاست اقتصادی از یکدیگر جدائی ندارد .

سیاست ملی اعم است از آنچه بنام سیاست خارجی و یا سیاست داخلی و یا سیاست اقتصادی و یا .. خوانده میشود زیرا همه اینگونه تدابیر چون هم آهنگ و بسامان شد سیاست ملی را پدید میآورد که عبارتست از راه تامین فضای حیاتی نسلهای آینده و رفاه نسل کنونی .

یک دولت ناسیونالیست هرگز بگرفتن تصمیمهای اقتصادی در چهارچوب اقتصاد قانع نیست بلکه از کلیه عوامل اقتصادی باید برای تامین نظریات سیاسی که تعریف آن را بیان کردیم استفاده کند . پس سیاست ملی در اقتصاد یا اقتصاد ملی عبارتست از جهیز و بهره برداری از کلیه نیروهای طبیعی و انسانی در راه تامین مقاصد سیاسی .

حقوقی که برای دولت ، برای ایفای نقش اقتصادی دولت بعنوان عامل حاکمیت ملی و بمنظور اجرای سیاست ملی عاید میشود بشرح زیر است و همه قوانین را باید بخاطر تامین این حقوق ، بای دولت هم آهنگ ساخت :

۱ - حق شناختن و مجاز دانستن واحدهای اقتصادی - واحد

اقتصادی بهر دستگাহیکه بنحوی تولید کالا یا خدمت نماید اطلاق میشود و هر واحد اقتصادی باید خود را بر دولت عرضه کند و بوسیله دولت شناخته گردد و برای ابقای خود کسب اجازه نماید و بدین طریق در زمره دستگاه واحد اقتصادی کشور بحساب گذارده شود و تابعیت مصالح اقتصاد ملی را بپذیرد .

منظور از شناختن یک واحد اقتصادی بوسیله دولت آن نیست که مانند امروز موسسه نام خود را ثبت و بنحوی پروانه کار دریافت دارد بلکه منظور آنست که وجود چنین واحد اقتصادی لازم تشخیص داده شود و سهمش در تولید درآمد ملی تعیین شود و شرایط کار و نحوه گسترش آن مشخص گردد .

۲ - حق ارزیابی و استاندارد کردن واحدهای اقتصادی در جهت

تکامل تکنیک و مقاصد سیاست ملی - هرواحد اقتصادی باید بوضوح بداند که منظور از گردش امور آن تنها حفظ موجودیت یا گسترش یافتن در حدود منافع صاحبان یا گردانندگان آن نیست بلکه باید در دستگاه عظیم اقتصادی نقش خود را ایفا کند بهمین دلیل دولت حق خواهد داشت که هر دستگاه اقتصادی را مورد ارزیابی

قرار دهد و نحوه دقیق تولید و شرایط کار آن را از لحاظ مقدار - کیفیت - طرز اداره داخلی . وضع مدارا با کارمندان یا کارگران و غیره را تعیین نماید و نیز حق خواهد داشت چگونگی تحولات آینده واحد اقتصادی را طرح ریزی کند و آن را در جهت تکامل تکنیک و مقاصد سیاسی سوق دهد .

بدین ترتیب واحدهای اقتصادی اعم از بخش خصوصی یا عمومی هر یک واحد جداگانه نخواهد بود بلکه جزئی از دستگاه بزرگ و واحد اقتصاد ملی بشمار خواهند رفت که بوسیله عمل ارزیابی و استاندارد کردن و طرح ریزی آینده هم اهنگی و بسامانی یافته اند .

۳ - حق ایجاد و دخالت در واحدهای اقتصادی - دولت طراح برنامه برای

دستگاه بزرگ و واحد اقتصاد ملی است و در این برنامه باید هر جای خالی را پر و عمل غلط را تصحیح نماید . بنابراین بحث اینکه آیا دولت کارخانه دار و یا تاجر خوبی است یا بد ؟ برای همیشه در نظم ما بکنار گذارده میشود هر جا واحدی اقتصادی لازم است که ایجاد نشده دولت باید با ایجاد آن بپردازد و هر جا واحدی اقتصادی وجود دارد که کار آن بطور کلی یا جزئی مطلوب نیست دولت باید بوسیله دخالت عمل آن را تصحیح نماید . این حق دخالت ناشی است از حق حاکمیت ملی و بهر یک از صور تعطیل - مصادره - ملی کردن - مشارکت رهبری اداری - توصیه های فنی و غیره که لازم باشد اعمال خواهد شد .

بحث اینکه سرمایه گذاری باید خصوصی باشد و یا دولتی نیز در نظم مابحثی است حل شده . طراح کلی برنامه ها دولت است و منظور او تامین مقاصد سیاست ملی است که توسعه اقتصادی و رفاه همگانی را متضمن است هیچگونه سرمایه گذاری از قوه بفعل نخواهد آمد مگر آنکه در تلو برنامه عمومی مندرج باشد .

هیچ سرمایه گذاری خصوصی از کادر کلی برنامه گذاری ملی خارج نخواهد بود و دولت حق رهبری و ارشاد آن را برای خود محفوظ میدارد و سرمایه گذاری دولتی نیز نقش سازنده و تکمیل کننده خود را خواهد داشت . سرمایه گذاری خصوصی بحکم طبیعت همیشه ناظر بر مصالح ملی نیست . و جنبه قوی آن جلب سود است ، در حالیکه سرمایه گذاری دولتی در درجه اول ناظر

بتأمین مقاصد سیاسی است و با نقش رقابتی و تکمیل کننده خود سبب میشود که کلیه عملیات اقتصادی در چهارچوب برنامه طرح شده قرار گیرد .

دولت و سیاست سندیکائی و طبقاتی

سندیکا که جمع متشکل عده ایست که از جهتی تشابه و اشتراک منافع دارند سازمانی است لازم ولی هنگام آن رسیده است که مجدداً مورد یک ارزیابی قرارگیرد و ارزش حقیقی آن تعیین شود و مقاصد و در نتیجه سازمان آن تجدید گردد .

سندیکا از لحاظ تاریخی مولود مبارزات طبقاتی است . منظور از ایجاد سندیکا آن بوده است که عده ای که منافعشان بوسیله عده دیگر تهدید میشده است گرد هم آیند و تشکل خود را وسیله اعمال قدرت (غالباً از طریق منفی مثل اعتصاب) قرار دهند و بدینوسیله حقوقی برای خود تأمین نمایند .

عیب این نحوه ایجاد سندیکا اینست حفظ موجودیت خود را آخرین هدف می پندارد بتدریج با اتخاذ تصمیماتی میپردازد که از کادر مصالح عمومی خارج است و نیز در مقابل تحولات تکنیک ، که همیشه بنفع اعضاء سندیکاهانیست مقاومت میورزد .

درنظم ما وظیفه سندیکا تنها بحفظ صنفی پایان نمی پذیرد بلکه سندیکا وسیله سازمان دادن اعضاء خود در کادر مصالح اقتصاد ملی است . سندیکاها مرکزی برای افزودن بکیفیت فنی اعضاء خود و مرکزی برای تطبیق وضع موجود بر تحولات آینده خواهد بود .

این تئوری در مورد سندیکای ایجاب میکند که دولت نقش هدایت کننده در مورد سندیکاها را داشته باشد .

مقصود از این هدایت آنست که طرحهای آینده سیاست اقتصادی را تاجائیکه مربوط بسرنوشت آینده اعضاء یک سندیکا است برای آنان تشریح کند و آنها را برای انجام سازمان بدهد .

در این صورت دیگر سندیکاهای متضاد مثل سندیکای کارفرمایان و سندیکای کارگران در برابر هم مقاومت نخواهد کرد زیرا خط مشی کلی هر دو در یک مرکز که بر منافع کلی آنها است تنظیم خواهد شد و عملیات آنها با تمام واحدهای اقتصادی هم آهنگی خواهد یافت .

این تفاوت در ارزیابی سندیکا سبب خواهد شد که دیگر هر سندیکا در پی آن نباشد که منافع را تنها بخود تخصیص دهد و در واقع نیروی هر یک از آنان در جهت خاصی اثر کند بلکه سندیکاها وسیله عمومیت بخشید بدرک سیاست اقتصاد ملی خواهند شد و همه نیروهای مؤثر در اقتصاد را در یک جهت بسیج و هدایت خواهند کرد .

« منظور از زندگی خدمت بملت است »

(۳)

بخش سیاست اجتماعی

از اصول برنامه های حکومتی حزب پان ایرانیست

رفرم فرهنگی

- ۱ - تفکیک سازمان تعلیم و تربیت از سازمان سایر خدمات فرهنگی
- ۲ - برنامه تعلیم و تربیت برنامه ایست که هدف آن تجهیز نیروی انسانی است برای اشغال همه مشاغل و خدمات که بموجب یک برنامه گذاری جامع برآورد گشته است .
- ۳ - توجه به تربیت بر اساس فلسفه ناسیونالیستی بر این بنیاد که :

منظور از زندگی خدمت به ملت است

- ۴ - تحصیل در کشورهای خارج فقط در کادر برنامه تربیت انسانی و تحت کنترل کامل دولت میسر است .
- ۵ - یکسان کردن سیستم فرهنگی - مجاتی کردن همه مراحل تحصیل

بهداشت و بهداری

- ۱ - ایجاد سیستم پزشکی روستائی ، استفاده از سازمانهای قابل تحرک مجهز بوسائل نقلیه زمینی و هوائی و وسائل ارتباطی برای جبران کمبود پرسنل .
- ۲ - ایجاد تمرکز در همه واحدهای بهداشتی و درمانی اعم از خصوصی و عمومی .

منظور از تمرکز:

- هر واحد بهداشتی و درمانی (مطب - درمانگاه - آزمایشگاه - بیمارستان و غیره) در صورتی میتواند وجود داشته باشد که وجود آن منطبق بر برنامه کلی و منطبق با استانداردهای طرح شده باشد .
- هدف برنامه کلی توزیع متعادل پرسنل و وسایل درمانی به تناسب پراکندگی جمعیت میباشد . ملاک مفیدیت مؤسسات خصوصی توانائی پرداخت مالیات مقرر است .
- ۳ - تفکیک پرسنل مؤسسات خصوصی از مؤسسات عمومی و اتخاذ رویه خدمت تمام وقت برای مؤسسات عمومی .

هدف تمرکز ، استفاده کامل از پرسنل ووسائل و توزیع آن به تناسب پراکندگی جمعیت است .

۴ - ملی کردن تولید و تجارت دارو

ایجاد دیسپلین اجتماعی

تصور دیسپلین اجتماعی ناشی از درک این حقیقت است که وجود هر فرد باید همیشه خود را در تاروپود وظایف خود درک کند و همه اعمال و رفتار خود را تابع مقررات و نظمی بیابد .

هیچکس برای خود زندگی نمیکند ، کوششهای ما باید برای ملت ما مفید باشد و وقتی مفید است که با سایر کوششها هم آهنگ شده باشد و تحت نظم و دیسپلین درآمده باشد .

تنها زمانی که یک فرد خود را با حیات ملتش هم آهنگ میکند احساس خوشنودی و خوشبختی خواهد کرد .

خدمت نظام وظیفه باید بخدمات اجتماعی وظیفه تبدیل و تصمیم

یابد .

کلیه افراد از زن و مرد پس از طی مدت کوتاه تعلیمات نظامی و درک مفهوم دیسپلین اجتماعی که ممکن است جزء برنامه تحصیلی آنان منظور شود باید بفراخور استعداد و شانس خود در یکی از رشته های خدمات اجتماعی ، بانجام وظیفه ملی خود قیام کنند .

پاره از رشته های خدمات اجتماعی بشرح زیر است :

۱ - خدمات لازم در واحدهای ارتش - خدمات دفاعی

۲ - خدمات فرهنگی (سپاه دانش)

۳ - خدمات بهداشتی (سپاه بهداشت)

۴ - خدمت در نهضت بازسازی کشور (خدمات عمرانی)

۵ - خدمت در نهضت تعاونی

۶ - خدمت در نهضت رهبری نسل جوان

۷ - خدمت در ترویج شیوه های بهتر کار و زندگی

همه افراد ملت در عضویت یک سازمان واحد

طرح دفاع همگانی ملی

برای آنکه همه افراد ملت خود را در تار و پود یک سازمان بزرگ احساس کنند ، برای آنکه در هنگام ایجاد هرگونه خطر بتوانند یکجا بمقابله برخیزد ، برای آنکه دیسپلین اجتماعی را هرچه بهتر درک کنند ، لازمست همه افراد از زن مرد پیر و جوان در یک سازمان دفاع همگانی شرکت داشته باشند . طرح ریزی این سازمان باید بطور متمرکز صورت گیرد و بتدریج تکامل

پذیرد و بصورت یک سنت ملی جلوه کند و گاه بگاہ درمانورهای مخصوص (مثلاً درسوانح طبیعی یا مانورهای طرح شده) عظمت نیروی هم آهنگ شده ملی را آشکار سازد.

این سازمان متمرکز همگانی گاه میتواند عامل خدمات اجتماعی باشد.

نهضت بازسازی روستاها و شهرها

۱ - باز ساختن مناطق روستائی در واحدهای اقتصادی جدید بطوریکه در هریک از واحدها امکان حداکثر بهره برداری از زمین و آب با حداقل نیروی انسانی میسر باشد.

۲ - بازساختن خانه ها و سایر اماکن روستائی (مدرسه - مسجد سالن

اجتماعات - بازار - جای سازمانهای اداری)

۳ - باز ساختن شاهراهها - راهها - راههای روستائی

۴ - باز ساختن شهرها

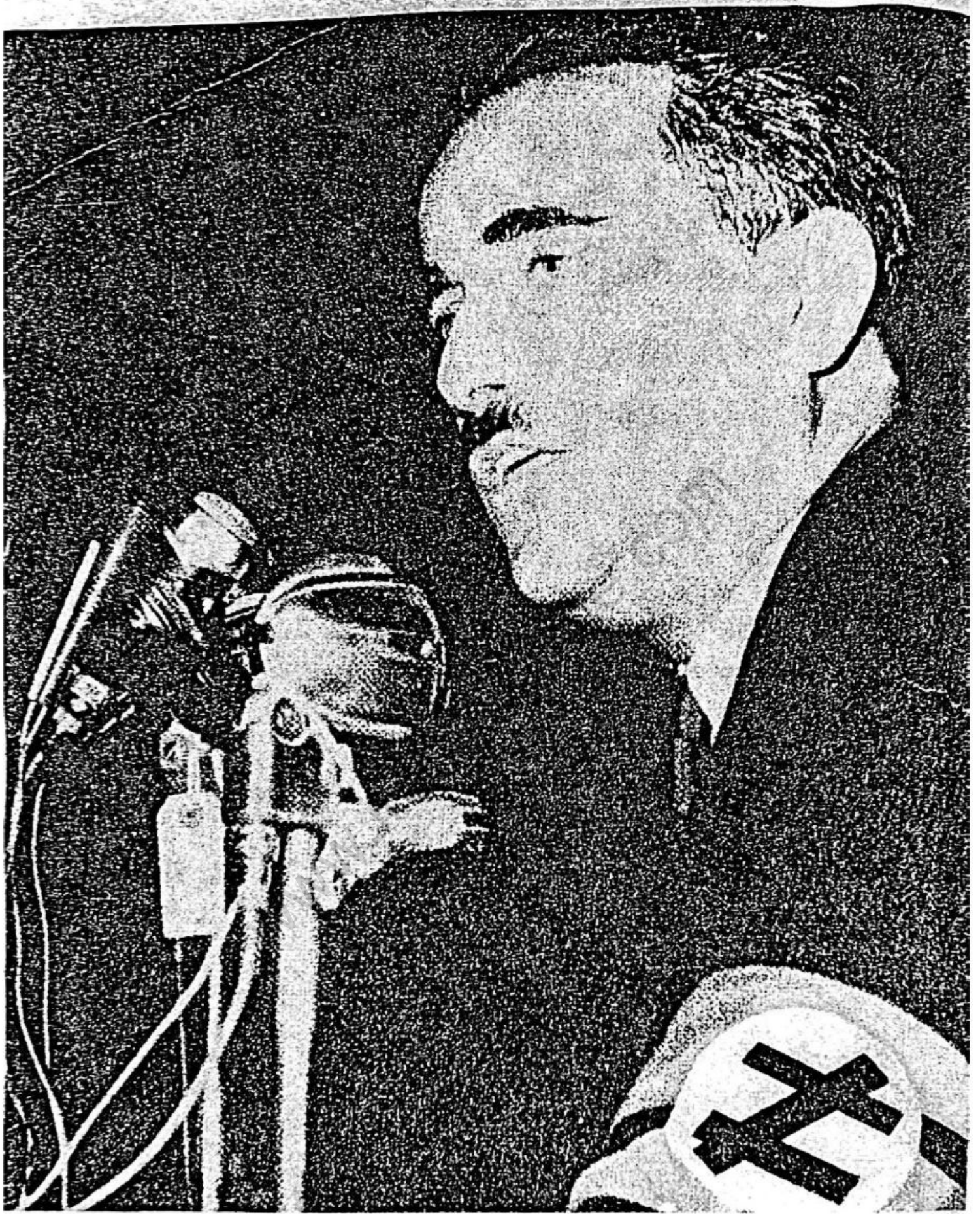
۵ - نهضت تهیه مسکن برای همه خانواده ها

تربیت دموکراسی

منظور از تربیت دموکراسی اتخاذ تدبیرهایی است که عموم مردم را برای درک مقاصد حکومت ملی آشنا سازد تا بدینوسیله مهم سیاست ملی اختصاص بجمع مخصوصی پیدا نکند بلکه در میان همه افراد ملت آشنائی بدان وجود داشته باشد.

بدین منظور باید در هر واحد اجتماعی که امکان دارد وسائل تشکل افراد آن را فراهم آورد. اینگونه سازمانها، مثل انجمن ده و شهر و یا سندیکاها و یا تشکیلات صنفی پیشه وران و تشکیلات آموزنده کودکان دانش آموزان و دانشجویان باید تشکیل شود با این تفاوت که باید دولت نقش طراح عالی آن را عهده دار باشد و چگونگی کار و برنامه های آن را تعیین کند و اینگونه سازمانها در ابتدا فقط نقش اجرا کننده تصمیمات را داشته باشند تا پس از درک مقاصد عالی حکومت ملی بتدریج در کار اخذ تصمیم و طراحی بر طبق آموزه های ناسیونالیستی اقدام نمایند.

تفاوت این پرورش دموکراسی با اندیشه های معمولی دموکراسی درمبانی تنوری آنست. دموکراتها گمان میکنند که ملت اجتماع بیشکلی از افراد است بنابراین منافع کلی را ترکیبی از منافع افراد میدانند بنابراین کلی را فرعی بر منافع افراد میدانند. اعمال این نظر جامعه را دچار تشلت و پراکندگی میسازد و پراکندگیها و تفرقه های اجتماعات در قرون اخیر ناشی از طبیعت اجتماعات نبوده بلکه ناشی از اعمال اینگونه تعلیمات بوده است که بتدریج سبب رخنه در وحدت ملی و هرج و مرج گشته است.



سرور محسن پرشکپور در تبریز و سرانجام ساز غربان است

ما ناسیونالیست‌ها عقیده داریم که موجودیت اصلی موجودیت کلی ملت است ، افراد جزء وسلولهای تشکیل دهنده ان هستند بهمین دلیل برای آنکه بهتر وکاملتر بتوانند با هم آهنگی با یکدیگر وسائل ترقی وتکامل ملت را فراهم آورند باید بوسیله تعلیمات وپرورش مخصوص ودانمی مقاصد ملی بدانان تفهیم شود ، لذا سازمانهای محلی ، صنفی وغیره باید خود را عادت دهند تا مساعی خود را در راه مقاصد کلی سیاست ملی بکار برند .

خلاصه آنکه دموکراسی در نظم ما هدف نیست بلکه وسیله ایست که برای عمومیت بخشیدن وریشه دار ساختن فهم سیاست ملی بکار میرود .